

گل گلینو

تهیه کننده : سیده مریم سادات رسول
مدرس : سرکار خانوم اژدریان
موضوع درس : فرهنگ عامه

آیین های طلب باران :

- یکی از مراسم ویژه محلی بوشهر مراسم گلین است که با نامهای مشابهی در سایر نقاط ایران برگزار می‌شود. فلسفه برگزاری این مراسم در ارتباط با خشکسالی است که مزارع و کشت و زرع را با بی‌آبی و روستائیان را با فقر و تنگدستی روبرو می‌سازد. این مراسم در بین آذری‌ها، قشقایی‌ها و سایر مناطق دیگر با اندک تفاوت‌هایی برگزار می‌شود. در استان بوشهر و به ویژه در روستای «سمیه» از توابع شبانکاره به همان نام (گلین - کوساگلین) معروف است.

مراسم گلین یا قبله دعا :

▪ وقتی خشکسالی شد و کشتزارهای دیم محتاج آب شدند، هنگام غروب مردان روستا گردهم می‌آیند و شخصی را که معمولاً مقام و موقعیت اجتماعی برجسته‌ای ندارد، با رضایت خود او به نام «گلین» برمی‌گزینند. نخست لباس «گردک» که همان نمد چوپانی است بر تنش می‌پوشانند و از پوست و پشم گوسفند، ریشی برای او تهیه می‌کنند و ریسمان بلند بر کمرش می‌بندند و کلاهی حصیری بر سرش می‌گذارند و دو شاخ از نمد یا از چوب و یا استخوان تهیه کرده و به کلاه حصیری وصل می‌کنند و زنگوله‌ای بر گردنش می‌آویزند و به صورتش آرد می‌مالند تا سفید شود. آنگاه افساری بر گردنش می‌بندند و کوچه به کوچه و خانه به خانه در روستا می‌گردانند. در این حال مردم روستا و خصوصاً جوانان و کودکان به دنبال او راه می‌افتند و دسته‌جمعی اشعار خاصی را می‌خوانند.

نمونه معاصر پوشش گلین:



در بعضی مناطق افراد همراه گلین هم چهره خود را میپوشاندند



از جمله اشعار :

گلین ما چو زشته : عروس ما چقدر زشت است

خیشی چقدر کشته : چقدر کشت کرده است

بارون تب درشته : دانه‌های باران درشت است

گل گلینو، شاخ زرینود : بیا عروس شاخ طلا

سی خاطر کل نونتون : برای تکه نان تان

به هر خانه که می‌رسند پس از خواندن این اشعار از
صاحب خانه مقداری گندم و جو و یا تخم‌مرغ
می‌گیرند. گاهی ممکن است صاحب‌خانه‌ای برای
خوشمزگی، قبل از ورود «گلین» و همراهانش به
بالای بام برود و با سطلی پر از آب در گوشه‌ای پنهان
شود و سطل آب را روی آنها بریزد. آنها نه فقط از
این کار نمی‌رنجند، بلکه خرسند می‌شوند و آن را به
فال نیک می‌گیرند. اما اگر صاحب خانه چیزی به
«گلین» ندهد دسته‌جمعی می‌خوانند :
خونه‌گدا خیرشاندا

گلین و همراهان او به راهشان ادامه می‌دهند و کوچه‌ها و حیاط خانه‌های روستا را بدینگونه زیر پا می‌نهند و هدایایی را که گرد آورده‌اند در محلی روی هم می‌گذارند. گلین آنچه را که گرد آمده است چند قسمت می‌کند و دور از چشم همراهان ریگی (تسبیحی) داخل یکی از قسمت‌ها می‌نهد. بعد چند نفر داوطلب می‌شوند که هر يك سهمی از آن بردارد. سهمی که در آن ریگ باشد نصیب هر که شود یا به فرار می‌گذارد. دیگران او را ظاهراً به قصد گرفتن و کتک زدن دنبال می‌کنند. آن شخص خود را به خانه‌ای می‌رساند و یا در کوچه به کسی برمی‌خورد و از او تقاضا می‌کند که برای سه روز یا يك هفته او را ضمانت کند تا کتکش نزنند. در عوض متعهد می‌شود که طی این مدت باران خواهد بارید. دیگران نیز تعهد و ضمانتش را قبول می‌کنند و از کتک زدنش منصرف می‌شوند. اگر تا مدت تعیین شده باران نبارد، «گلین» و گروه او به سراغ ضامن می‌روند و اگر این بار نیز ضامن ضمانتش را تکرار کرد باز هم تأمل می‌کنند و گرنه به سراغ شخصی که فرار کرده بود، می‌روند و او را کتک مفصلی می‌زنند تا شخص دیگری پیدا شود و ضمانت کند. مردم معتقدند که با این مراسم خداوند به آنان ترحم می‌کند و بارش آغاز می‌شود.

روایت دیگر از مراسم گلین به نام قبله دعا :

زمستان‌هایی که باران دیر می‌بارد و خطر خشکسالی احساس می‌شود مردم بوشهر به سرپرستی ریش سفیدان، شب جمعه‌ای را انتخاب می‌کنند و دور هم جمع می‌شوند و می‌گویند «پاش تا پریم قبله دعا».

باید توجه داشت که هر نیم بیتی را گروهی می‌خوانند. همین که گروه اول کارشان تمام شد، گروه دوم شروع می‌کنند. اگر در منزلی باز باشد، بدون اجازه از صاحب خانه همه وارد آن می‌شوند و شخصی (معروف به گلی) با چوبی که بر آن سوار است شروع با جارو کردن حیاط می‌کند. صاحب‌خانه موظف است چیزی به او بدهد. چند نفر کیسه همراه دارند که چیزهای بدست آمده را در آن بریزند. در اینجا اگر صاحب‌خانه خوراکی به آنها بدهد با هم می‌گویند : «خونه شاه مشتیش داد، خونه گدا هیچیش نداد.» اگر صاحب خانه آب روی گلی ریخت همه با هم می‌گویند «نه‌اوبی‌باورن‌بی» این مراسم ادامه می‌یابد تا به همه خانه‌های ده سر برسند. سپس هدیه‌جات به دست آمده را در خانه یکی از ریش سفیدان روستا می‌گذارند و در همان جا اعلام می‌کنند «فردا شب بیایید شله گلی بخورید، می‌خواهیم برویم قبله دعا.»

فردا شب همه جمع می‌شوند، شله می‌پزند و در سینی بزرگی که معروف به سینی فراشبندی است می‌ریزند و دور از چشم دیگران مهره‌ای را زیر شله مخفی کرده بعد آتش را میان اهالی تقسیم می‌کنند. یکی دو نفر مواظبند که مهره نصیب چه کسی می‌شود. به محض اینکه مشخص شد مهره نزد چه کسی است. يك آسك (دست آس) به دوشش می‌اندازند، سپس همه جمع می‌شوند، يك نفر قرآن روی سر می‌گذارد و دیگران به اتفاق آن مرد آسك به دوش با شادی و هلهله ابیاتی می‌خوانند :

پیرزن کوری تشنه لنگه آسک کولشه
قبله دعا می‌شیم سی او خدا می‌شیم
بلکه خدا رحمش بیاد بیا تا بشم قبله دعا
بلکه خدا رحمش بیاد

مردم که جمع شدند، به سوی محلی به نام «قبله دعا» راه می‌افتند و دسته‌جمعی می‌خوانند :

یار بارونی شار شارونی
الله تو بده بارون سی ما عیال وارون
مشت جو داشتیم سر تلی کاشتیم
بارون زد و در اومد مشتی مو مشتی تو
مشتی خیر بارونی

و در هر خانه‌ای می‌ایستند و ادامه می‌دهند :
تال خیر می‌مشتک یه تک نان مشتک یه دسته دونی مشتک

قسمت اول را يك عده و واژه «مشتک» را عده‌ای دیگر در پاسخ آنان می‌گویند. صاحب خانه با توجه به وضع مالی‌اش مقداری حبوبات، هیزم، پول و یا چیزهای دیگری به آنان هدیه می‌دهد و نیتی هم می‌کند.

بدین ترتیب گروه راهش را ادامه می‌دهد و گهگاه سر راه به آسمان نگاه می‌کنند و می‌خوانند :

ای بارون مرواری تا کی تو نمی‌باری؟

هنگامی که به محل قبله دعا رسیدند، سردسته که آتش در خانه او طبخ خواهد شد می‌گوید : «او انبارها، او ندارن» جمعیت می‌گویند : «بده، بچه‌ها نون ندارن» اهالی می‌گویند : «خدا بده، بوجیلا دون ندارن» مردم می‌گویند : «خدا بده» و باز می‌گویند : بار بارونی شار شارونی

الله تو بزنی بارون سی ما عیال وارون

این مراسم تکرار می‌شود تا باران بیارد. روزی که بارید با استفاده از مواد خوراکی جمع‌آوری شده آشی می‌پزند و سکه‌ای در آن می‌اندازند. آتش را میان مردم تقسیم می‌کنند و بر این باورند که هر کس در آتش سکه پیدا کند به مرادش می‌رسد. در اولین روز بارش باران در بیشتر منازل بوشهر معجونی به نام «شیره» که قبلاً از خرما، بی‌هسته، شیره خرما، کنجد و مغز گردو تهیه و آماده کرده‌اند به یمن آمدن باران میل می‌کنند و دسته‌جمعی می‌خوانند :

بارون تیره تیره دسام (دست‌هایم) تو خرما شیره

این مراسم محدود به بوشهر و کنگان نیست و در بسیاری از مناطق ایران برگزار می‌شده است از جمله خراسان با نام چمچمه گلین



عروسک چولی قزک سمبل باران خواهی

از دیگر آیین های طلب باران : تک تکو

شب هنگام دو نفر در حالی که صورت خود را پوشانده‌اند تا شناخته نشوند؛ آردبیز یا الک را در دست گرفته و با ریگ به الک می‌کوبند که با صدای تک تک آن صاحب خانه به دم در آمده و به آن دو نفر قند یا چای می‌دهد. چیزهایی را که جمع شده است به سر پیر یا امام زاده می‌برند و چای درست کرده می‌خورند. این کار تا سه شب ادامه دارد؛ مردم معتقدند بعد از سه شب باران خواهد بارید.

آفتاب خواهی (بند آمدن باران) :

به همان اندازه که باران برای مناطق گرم ضروری است، اگر زیاد ببارد، سیل راه می افتد دراین شرایط مردم به روش هایی خواهان بند آمدن باران هستند، تا از ایجاد سیل و ویرانی خانه هایشان در امان باشند. به این منظور مهری را که با آن نماز می خوانند، در زیر باران می اندازند ، آنها معتقدند با این کار باران شرمش می شود و بند می آید. همچنین آرد و نمك را (که مقدس هستند) توی باران می پاشند تا باران بند بیاید. ویا چوبی را آتش زده سرخ که شد آن را در دست گرفته در زیر باران می گردانند.



خسته نباشید 3<